

انور خامه‌ای، آخرین بازمانده گروه «۵۳ نفر» درگذشت (1295- 1397)

انور خامه‌ای یکی از بنیانگذاران حزب توده و آخرین بازمانده گروه ۵۳ نفر در بیمارستانی در کرج در ۱۰۲ سالگی در اثر پیامدهای نارسایی ریوی و کهلوت سن درگذشت. یکی از نسل کمیابی که دیگر در میان ما نیست.

دکتر انور خامه‌ای، آخرین بازمانده «گروه ۵۳ نفر» درگذشت

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی دکتر انور خامه‌ای که به دلیل کهولت سن و نارسایی ریوی در بیمارستانی در کرج بستری شده بود، صبح سه‌شنبه ۲۹ آبان درگذشته. خبر درگذشت او اما با یک روز تأخیر منتشر شده است.

انور خامه‌ای در ۲۹ اسفند ۱۲۹۵ به دنیا آمد و در شش سالگی به مدرسه رفت. در سال ۱۳۱۳ در دانشکده صنعتی در رشته مهندسی شیمی ادامه تحصیل داد. انور خامه‌ای در زمان دانشجویی با گروه ۵۳ نفر آشنا شد و فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. در سال ۱۳۱۶ گروه ۵۳ نفر به اتهام توطئه و مرام اشتراکی بازداشت شدند. نتیجه محاکمه ۵۳ نفر برای خامه‌ای، شش سال زندان بود که در مهرماه ۱۳۲۰ با یک سال تخفیف از زندان آزاد شد.

انور خامه‌ای در بهمن ۱۳۲۱ به استخدام دبیرستان صنعتی درآمد و دبیری را آغاز کرد و در سال ۱۳۳۲ به عضویت حزب توده درآمد که غالب اعضای اصلی آن از گروه ۵۳ نفر بودند. انور خامه‌ای در کادر حزب توده سردبیر و اداره‌کننده روزنامه «رهبر ارگان» حزب توده هم بود. در مرداد ۱۳۲۵ از طرف حزب توده به عنوان نماینده مطبوعات ایران به کنگره پاریس رفت و سپس به عنوان نماینده دانشجویان ایران در کنگره بین‌المللی جوانان در پراگ شرکت کرد و در این دوران سفرهایی به مسکو نمود. دیدار با ابوالقاسم لاهوتی از خاطرات شنیدنی اوست در این سفر. شرح این خاطرات در کتاب سال‌های پرآشوب» از آخرین تألیفها و آثار خامه‌ای آمده است. خامه‌ای در یکی از نشست‌های «عصر پنجشنبه» بخارا می‌گوید:

«در بلگراد ملاقات با مارشال تیتو برایم پیش آمد که خودش یک قصه جداگانه است. به مسکو که رسیدم باید مدتی میماندیم تا ترتیب بازگشت من داده شود. در مسکو با جمشید کشاورز دیدار کردم و او ترتیب ملاقات با لاهوتی را داد. حتماً می‌دانید لاهوتی تنها کسی بود که از تصفیه‌های استالین جان سالم به در برد. از میان هزاران کمونیست ایرانی که پیش از جنگ جهانی دوم به شوروی مهاجرت کردند و با امید رفتند عده کمی زنده ماندند. لاهوتی مورد توجه روسها بود و در آپارتمانی که روسها به او داده بودند زندگی می‌کرد. در اولین دیدار به من گفت که یک روز را تعیین کنم تا با او به ویلایی در حومه مسکو برویم و رفتیم. بیشتر از این دعوت منظورش خلوت کردن دور از چشم پلیس و جاسوس بود. مطلبی که در لاهوتی برایم خیلی جالب آمد عشق و علاقه او به ایران به خصوص به زادگاهش کرمانشاه بود. می‌گفت دولت شوروی به او اجازه خروج نمی‌دهد (...). موقع رفتن از مسکو، لاهوتی نامه‌ای به همراه آخرین عکس پسرش را به من داد تا از تهران برای خانواده‌اش در کرمانشاه پست کنم که کردم.»

دکتر انور خامه‌ای به علت اعتراض به سیاست‌های کمیته مرکزی حزب توده در دی ۱۳۲۶ به همراه خلیل ملکی، جلال آل احمد، فریدون توللی و تنی چند از حزب توده انشعاب کرد. به دنبال محدودیت‌های سیاسی، انور خامه‌ای دوباره به تدریس ریاضی در دبیرستان‌های تهران روی آورد.

با شکل‌گیری جنبش ملی شدن صنعت نفت، دکتر خامه‌ای به همراه چند تن از همفکران خود روزنامه «جهان ما» و «حجار» را منتشر کرد و بعد از کودتای ۲۸ مرداد بازداشت و پس از مدتی از زندان آزاد شد. دکتر خامه‌ای برای ادامه تحصیلش به دانشگاه هایدلبرگ رفت و در رشته اقتصاد به مطالعه پرداخت. در همین زمینه تحصیلات خود را دانشگاه فرایبورگ سوئیس دنبال کرد و موفق شد رساله دکترای خود را بگذارند.

در بازگشت به ایران اجازه کار به او در دانشگاه تهران ندادند و به صورت غیررسمی در پژوهشگاه علوم انسانی وابسته به وزارت علوم کار می‌کرد. دکتر خامه‌ای از جمله معدود رهبران حزب توده بود که استالینسم را نقد می‌کرد. او در این زمینه کتابی به زبان فرانسه با عنوان «تجدید نظرطلبی از مارکس تا مائو» نوشت که بارها در فرانسه تجدید چاپ شد. این کتاب بعدها در ایران توسط او ترجمه شد.

از دیگر آثار دکتر خامه‌ای می‌توان از کتاب‌های «چهار چهره: نیما

یوشیج، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح بهروز» نام برد که در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. کتاب «اقتصاد بدون نفت» که تحلیلی است کاملاً تخصصی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید. «فرهنگ سیاست و تحول اجتماعی» و «محتآباد» از دیگر آثار اوست.

خامه‌ای سال‌هایی را در معاشرت با صادق هدایت گذرانده است. او درباره آن سال‌ها گفته است:

«پنج سال از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را بیشتر با هدایت گذراندم. یادم است که غالباً روزها در کافه فردوسی بود و سرشب هم در کافه رستوران کنتینانتال که درست روبه‌روی هم بودند. از کسانی که آن موقع‌ها نزد صادق هدایت می‌آمدند صبحی مهتدی، خانلری و شهید نورایی بود. رحمت الهی و احسان طبری هم می‌آمدند. آقا بزرگ و چوبک، رضوی نامی که از دوستان هدایت بود می‌آمد. و همیشه این هدایت بود که مجلس را به دست داشت. قدرت بیان هدایت را نزد کسی ندیدم. اختصاص به خودش داشت. با طنز و متلک و حرف‌هایی که خاص خود هدایت بود. یعنی اصلاً خودش می‌ساخت. همه را مجذوب می‌کرد و دیگران واقعاً رنگی نداشتند. در حضور او تسلیم بودند.»

رفاقت انور خامه‌ای با جلال آل احمد چنان بود که او مجموعه داستان «محتآباد» را به او هدیه کرد. خامه‌ای درباره آل‌احمد گفته است:

«او جوانی بود که قدرت فکری و سری پر سودا داشت. او عضو حزب توده شد و از مطبوعات حزب استفاده کرد اما خودش هم توان زیادی داشت. من او را دوست داشتم و همیشه به او فرصت می‌دادم تا نوشته‌هایش را بتواند به چاپ برساند. نیما هم او را خیلی دوست داشت.»

خامه‌ای رفاقتی هم با نیما یوشیج داشت:

«من نیما یوشیج را اولین بار در پاییز ۱۳۱۵ در حیاط مدرسه صنعتی ایران و آلمان دیدم. من دانشجوی شیمی بودم و نیما دبیر ادبیات دبیرستان صنعتی. «فسانه» را خوانده بودم. روابط من با نیما در مدرسه صنعتی زیاد دوام نیاورد چرا که مرا دستگیر کردند.»

بعد از رهایی از زندان اما معاشرت او با نیما ادامه یافت. خامه‌ای شرح این دیدارها و دوستی‌ها را در کتاب «چهار چهره: نیما یوشیج، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح بهروز» آورده است.

دکتر انور خامه‌ای وصیت کرده جسدش را به دانشکده علوم پزشکی
دانشگاه تهران برای انجام تحقیقات بسپرنند.

سخنرانی انور خامه‌ای درباره نهضت ملی و دکتر محمد مصدق

برگرفته از

[FacebookTwitterBalatarinFlipboardPrintEmail](#)

و رادیو زمانه

<https://www.radiozamaneh.com/420763>